

حقوق کیفری و اخلاق زیستی

دکتر محمد جعفر ساعد



مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی

تهران-۱۳۹۳

سرشناسه	ساعت، محمدجعفر، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	حقوق کیفری و اخلاق زیستی/محمدجعفر ساعت.
مشخصات نشر	تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۳۹۰ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۲۰۰-۹۱-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیا.
یادداشت	ص.ع. به انگلیسی: MohammadJafar Saed. Criminal law and bioethics.
یادداشت	واژه نامه.
یادداشت	کتابنامه: ص. [۳۳۱] - ۳۵۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	نمایه.
موضوع	اخلاق زیست شناسی
موضوع	حقوق جزا
شناسه افزوده	موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
رده بندی کنگره	۱۳۹۱ ج ۲ ص ۳۳۲ OH
رده بندی دیویی	۱۷۴/۹۸۷
شماره کتابشناسی ملی	۹۱۳۴۱

عنوان : حقوق کیفری و اخلاق زیستی
ناشر : مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهرداری
نوبت چاپ : اول
تاریخ چاپ : ۱۳۹۳
شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۰۰-۹۱-۱
بهاء : ۲۱,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران - خیابان کریم خان زند - خیابان سنایی - خیابان نهم - خیابان گیلان - پلاک ۵ کد پستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱ شماره: ۸۸۸۱۱۵۸۰

<http://www.sdil.ac.ir>

Email:publication@sdil.ac.ir

به نام خداوند جان و خرد

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفا می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق، که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند.

ناشنگذار فهیم و آگاه، هیچگاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را به نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت، و هیچگاه مصورت قبلی خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد می‌می و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوقی و حوزه‌های علمیه که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران و اساتید حقوق و ققه همت می‌گمارند علاوه بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بهر بهره می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور برعهده دارند.

جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی در توسعه کمی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمی به همی میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی مورد نیاز کشور همراه باشد و با احاطه به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش که همواره سعی داشته است علاوه بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به صورتی دانشمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتابهای حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات جناب آقای دکتر محمد جعفر ساعد در تألیف کتاب «حقوق کیفری و اخلاق زیستی» را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورد استفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

فهرست مطالب

سیاسگزاری.....	۱۸
مقدمه.....	۱۹
بخش نخست: مبنای مداخله حقوق کیفری در گستره اخلاق زیستی؛ ضرورت تضمین حقوق شهروندان.....	۲۷
فصل نخست: از اهداف و مبانی اخلاق زیستی تا معیار و دامنه مداخله حقوق کیفری.....	۲۹
مبحث نخست: واکاوی مفهومی اخلاق زیستی.....	۳۰
گفتار نخست: پوشش معنایی گستره‌های اخلاق زیستی و حوزه‌های کاربدهای آن.....	۳۱
بند نخست: اخلاق زیستی؛ بحث معنایی، گستره‌های فکری مرتبط و پیشینه.....	۳۱
الف) واژه‌شناسی و مفهوم.....	۳۲
۱- واژه‌شناسی.....	۳۲
۲- مفهوم‌شناسی.....	۳۲
۱- ۲- تعریف عام.....	۳۳
۲- ۲- تعریف خاص.....	۳۳
ب) اخلاق زیستی و گستره‌های فکری مشابه و مرتبط.....	۳۵
۱- اخلاق زیستی (نظری) و اخلاق زیستی (کاربردی).....	۳۵
۲- اخلاق زیستی و اخلاق پزشکی.....	۳۶
۳- اخلاق زیستی و زیست پزشکی.....	۳۸
۴- اخلاق زیستی و حقوق زیستی.....	۳۹
۵- اخلاق زیستی و فلسفه.....	۴۰
۶- اخلاق زیستی و علم اخلاق.....	۴۲
پ) گسترش اخلاق زیستی به مثابه رشته‌ای تخصصی.....	۴۳
گفتار دوم: گونه‌شناسی اخلاق زیستی و حوزه‌های کاربدهای آن.....	۴۶
بند نخست: گونه‌شناسی اخلاق زیستی.....	۴۶
الف) اخلاق زیستی محیطی.....	۴۷

- ۴۸..... (ب) اخلاق زیستی حیوانی
- ۵۰..... (پ) اخلاق زیستی انسانی
- ۵۲..... بند دوم: حوزه‌های کارویژه‌های اخلاق زیستی
- ۵۲..... (الف) اخلاق زیستی بالینی
- ۵۳..... (ب) اخلاق زیستی سیاست محور
- ۵۴..... (پ) اخلاق زیستی دانشگاهی
- ۵۴..... مبحث دوم: معیار و دامنه مداخله حقوق کیفری در گستره اخلاق زیستی
- ۵۵..... گفتار نخست: حق بر آزادی بشر: معیار مداخله حقوق کیفری اخلاق زیستی
- ۵۵..... بند نخست: مفهوم آزادی و گونه‌های مثبت و منفی
- ۵۶..... (الف) مفهوم آزادی
- ۵۸..... (ب) گونه‌های آزادی
- ۵۹..... ۱- آزادی مثبت یا ایجابی
- ۶۰..... ۲- آزادی منفی یا سلبی
- ۶۳..... بند دوم: اکمیت احترام به اشخاص بر حقوق کیفری اخلاق زیستی
- ۶۵..... بند سوم: رابطه حق بر آزادی و مداخله‌های پزشکی
- ۶۶..... گفتار دوم: دامنه مداخله حقوق کیفری اخلاق زیستی
- ۶۶..... بند نخست: دامنه محدود حقوق کیفری اخلاق زیستی
- ۷۱..... بند دوم: تحدید مداخله‌های پزشکی - محدودیت جرم انگاری
- ۷۲..... بند سوم: دامنه مفهومی جرم اخلاق زیستی و ویژگی‌های آن
- ۷۵..... فصل دوم: هدف‌ها و مسئولیت‌های حقوق کیفری اخلاق زیستی
- ۷۵..... مبحث نخست: هدف‌های حقوق کیفری با تأکید بر اصول اخلاق زیستی
- ۷۸..... گفتار نخست: تضمین اصل احترام به اشخاص از رهگذر حمایت از آزادهای آن
- ۷۸..... بند نخست: مداخله حداقلی در گستره اصل آزادی عمل فردی
- بند دوم: صیانت از حق حیات و تضمین تداوم آن: حمایت کیفری از تمامیت جسمانی و روانی
- ۸۳..... (الف) اجزای موضوعی حق حیات
- ۸۳..... ۱- حق بر بودن
- ۸۴..... ۲- حق بر ماندن: جلوه ایجابی حیات
- ۸۵..... ۳- حق بر رفتن: جلوه سلبی حیات
- ۸۶..... (ب) دامنه موضوعی حق حیات: تمامیت جسمانی و روانی
- ۸۷..... (پ) رابطه ویژه حق بر تمامیت جسمانی - روانی و استقلال عمل فردی
- ۸۸..... (ت) رسالت حقوق کیفری نسبت به حق بر تمامیت جسمانی و روانی
- ۸۸..... ۱ رویکرد حقوق بین‌المللی به حق بر تمامیت جسمانی و روانی
- ۹۰..... ۲- گستره حمایتی حقوق کیفری نسبت به حق بر تمامیت جسمانی و روانی

بند سوم: حمایت از منزلت انسانی و تضمین شأن وجودی نوع بشر	۹۱
الف) پوشش معنایی و گونه شناسی	۹۱
۱- پوشش معنایی	۹۲
۱-۱- واژه شناسی منزلت	۹۲
۱-۲- مفهوم شناسی	۹۲
۱-۲-۱- تحول مفهومی	۹۲
۱-۲-۲- گونه‌های مفهومی	۹۶
۱-۲-۲-۱- مفهوم اصلی	۹۷
۱-۲-۲-۲- مفهوم فراگیر	۹۸
۲- گونه شناسی	۹۹
۲-۱- منزلت استحقاقی	۹۹
۲-۲- منزلت اخلاقی یا شأن وجودی	۱۰۰
۲-۳- منزلت هویت مدار	۱۰۱
۲-۴- منزلت همگانی بشری	۱۰۲
ب) متره حمایت حقوق کیفری از منزلت انسانی	۱۰۳
۱- رویکرد تاریخی: حقوق بین‌الملل بشر	۱۰۳
۲- حمایت حقوق کیفری از منزلت جمعی انسانی	۱۰۸
گفتار دوم: فایده رسانی	۱۰۹
گفتار سوم: عدم زیان باری و آسیب‌ناشناسی حقوق کیفری	۱۱۰
گفتار چهارم: اصل عدالت؛ لازمه تحقق عدالت کیفری	۱۱۷
بند نخست: مفهوم شناسی عدالت	۱۱۸
بند دوم: عدالت کیفری به مثابه جلوه‌ای از عدالت انسانی	۱۲۰
مبحث دوم: مسئولیت یا کارویژه‌های حقوق کیفری اخلاق زیستی	۱۲۵
گفتار نخست: برقراری نظم؛ نظم عمومی	۱۲۶
الف) پیشینه نظم عمومی	۱۲۷
ب) معناپویی نظم عمومی	۱۲۸
بند دوم: تبلور نظم عمومی از رهگذر حقوق کیفری	۱۳۱
گفتار دوم: برقراری امنیت؛ از امنیت عمومی تا امنیت شخصی	۱۳۵
بند نخست: مفهوم شناسی امنیت	۱۳۵
بند دوم: گونه شناسی امنیت و رسالت حقوق کیفری اخلاق زیستی	۱۳۷
الف) رویکرد انسان محوری حقوق کیفری به امنیت؛ از امنیت فردی تا انسانی	۱۳۸
ب) رویکرد اجتماع محوری حقوق کیفری به امنیت؛ از امنیت ملی تا بین‌المللی	۱۴۱
جمع بندی	۱۴۵

بخش دوم: جلوه های مداخله حقوق کیفری اخلاق زیستی؛ ضرورت جرم انگاری یا جرم زدایی؟..... ۱۴۹

فصل نخست: جرایم حیات مدار..... ۱۵۳

مبحث نخست: قتل از روی ترحم..... ۱۵۳

گفتار نخست: مفهوم شناسی و گونه شناسی..... ۱۵۴

بند نخست: مفهوم شناسی قتل از روی ترحم و مفاهیم مشابه..... ۱۵۴

الف) قتل از روی ترحم..... ۱۵۵

ب) مفاهیم مشابه: گونه های پایان حیات..... ۱۵۶

۱- خودکشی..... ۱۵۷

۲- خودکشی کمک شده..... ۱۵۸

۳- خودکشی به کمک پزشک..... ۱۵۹

بند دوم: گونه های دیگری..... ۱۶۰

الف) فال: از..... ۱۶۱

۱- داوطلبانه..... ۱۶۲

۲- غیر داوطلبانه..... ۱۶۳

۳- اجباری یا اضطراری..... ۱۶۳

ب) غیرفعال: از رهگذر ترک فعل..... ۱۶۳

۱- داوطلبانه..... ۱۶۴

۲- غیر داوطلبانه..... ۱۶۴

گفتار دوم: پیشینه قتل از روی ترحم..... ۱۶۴

گفتار سوم: رویکردهای موافق و مخالف جرم انگاری..... ۱۶۶

بند نخست: ارزش حیات انسانی: منع قتل از روی ترحم..... ۱۶۷

الف) دیدگاه های ناظر بر ارزش حیات انسانی..... ۱۶۸

۱- اصالت حیات و حفظ آن بر هر هزینه ای..... ۱۶۸

۲- قداست حیات بشر به نفس انسان بودن..... ۱۶۹

ب) برآندهای حق بر حیات..... ۱۷۱

بند دوم: ارزش استقلال عمل: حق بر قتل از روی ترحم..... ۱۷۲

الف) حق بر انتخاب..... ۱۷۲

ب) حق بر رد درمان..... ۱۷۵

ج) کیفیت زندگی..... ۱۷۷

گفتار چهارم: پیشینه های تقنینی در گستره بین المللی و ملی..... ۱۷۸

بند نخست: گستره بین المللی..... ۱۷۸

بند دوم: گستره ملی..... ۱۷۹

۱۷۹.....	الف) ایالات متحد آمریکا.....
۱۸۰.....	ب) کلمبیا.....
۱۸۱.....	پ) استرالیا.....
۱۸۲.....	ت) انگلستان.....
۱۸۴.....	ث) هلند.....
۱۸۶.....	ج) بلژیک.....
۱۸۶.....	چ) ایران.....
۱۸۸.....	گفتارینجم: نقد و ارزیابی.....
۱۹۳.....	مبحث دوم: سقط جنین؛ گام به سوی جرم زدایی محدود.....
۱۹۵.....	گفتار نخست: مفهوم شناسی و گونه شناسی.....
۱۹۵.....	بند نخست: پوش معنایی.....
۱۹۶.....	بند دوم: گونه شناسی.....
۱۹۶.....	الف) سقط جنین غیر عمدی.....
۱۹۷.....	ب) سقط جنین خودبه خودی.....
۱۹۷.....	۲- نقطه چین در سقط جنین.....
۱۹۷.....	ب) سقط جنین عمدی.....
۱۹۸.....	۱- فعال: از رهگذر فعال.....
۱۹۸.....	۱-۱- سقط جنین و مادر اعل.....
۱۹۸.....	۱-۲- سقط جنین و مباشر معاون غیرمادر.....
۱۹۹.....	۲- غیرفعال: از رهگذر ترک فعال.....
۱۹۹.....	گفتار دوم: پیشینه سقط جنین.....
۲۰۰.....	گفتار سوم: رویکردهای موافق و مخالف جرم انگاری.....
۲۰۱.....	بند نخست: رویکرد منع سقط جنین.....
۲۰۲.....	الف) استدلال‌های اخلاقی و اجتماعی.....
۲۰۲.....	۱- استدلال اخلاقی: تقدس حیات به مثابه بنیادی‌ترین ارزش انسانی.....
۲۰۵.....	۲- استدلال اجتماعی.....
۲۰۵.....	۱-۲- فمینیست‌ها و حمایت از زندگی.....
۲۰۷.....	۲-۲- استدلال تردید.....
۲۰۸.....	ب) ضابطه باروری: از زمان انعقاد نطفه.....
۲۰۸.....	۱- استدلال موجز.....
۲۰۹.....	۲- استدلال ماهیت گونه انسانی.....
۲۱۰.....	۳- استدلال گونه خویشاوندی.....
۲۱۲.....	۴- شمول قداست حیات انسانی بر وضعیت جنین.....
۲۱۲.....	۵- استدلال سراسیمی لغزش.....

- ۲۱۴ ۶- استدلال قابلیت مداری
- ۲۱۵ ۷- استدلال ویژگی اساسی
- ۲۱۷ ۸- استدلال احتمال
- ۲۱۸ بند دوم: رویکرد آزادی سقط جنین
- ۲۱۸ الف) استدلال‌های اخلاقی و اجتماعی
- ۲۱۹ ۱- استدلال اخلاقی: آزادی عمل بشر
- ۲۱۹ ۱-۱- آزادی اراده زن باردار
- ۲۱۹ ۱-۲- ضرورت احترام به تصمیم زن باردار
- ۲۲۰ ۱-۳- حق بر کنترل بدن
- ۲۲۰ ۱-۴- نجات جان مادر
- ۲۲۰ ۲- استدلال اجتماعی
- ۲۲۱ ۱-۲- ضرورت رهایی زن از بارداری‌های نامشروع
- ۲۲۲ ۲-۲- جلوگیری از تحمیل کودکان ناقص الخلقه بر جامعه
- ۲۲۲ ۲-۱- جلوگیری از عواقب پس از وضع حمل بر مادر
- ۲۲۳ ب) ضابطه ضرورت
- ۲۲۳ ۱- لانه تریبی
- ۲۲۴ ۲- شکل خارجی انسان
- ۲۲۵ ۳- حرکت یا جنب و محسوس افعالی جنین
- ۲۲۵ ۴- حرکت توأم با درک حساس دمیدگی جن
- ۲۲۵ ۵- فعالیت اولیه مغز
- ۲۲۶ ۶- فعالیت سازمان یافته کورتیکال مغز
- ۲۲۷ ۷- امکان ادامه حیات
- ۲۲۷ گفتار چهارم: پیشینه‌های تقنینی در گستره بین‌المللی و
- ۲۲۸ بند نخست: گستره بین‌المللی
- ۲۳۱ بند دوم: گستره ملی
- ۲۳۱ الف) انگلستان
- ۲۳۳ ب) آلمان
- ۲۳۵ پ) ایران
- ۲۳۷ گفتار پنجم: نقد و ارزیابی
- ۲۴۲ فصل دوم: جرایم منزلت محور
- ۲۴۳ مبحث نخست: شبیه‌سازی انسانی
- ۲۴۳ گفتار نخست: شبیه‌سازی: مفهوم، شیوه‌ها و انواع آن
- ۲۴۳ بند نخست: مفهوم شناسی شبیه‌سازی
- ۲۴۵ بند دوم: شیوه شناسی شبیه‌سازی

۲۴۵	الف) اشتقاق رویان.....
۲۴۵	ب) انتقال هسته.....
۲۴۶	بند سوم: گونه شناسی شبیه سازی.....
۲۴۷	الف) شبیه سازی بازآفرینی.....
۲۴۷	ب) شبیه سازی پژوهشی.....
۲۴۸	گفتار دوم: پیشینه شبیه سازی انسانی.....
۲۵۰	گفتار سوم: رویکردهای موافق و مخالف جرم انگاری.....
۲۵۱	بند نخست: رویکرد موافقان به شبیه سازی انسان.....
۲۵۱	الف) استدلال های اخلاقی.....
۲۵۲	۱- حق آزادی انسان.....
۲۵۴	۲- حق وجود و هستی.....
۲۵۶	۳- حق سعادت و بهروزی.....
۲۵۷	ب) اصول اجتماعی.....
۲۵۷	۱- خاستگاه زندگی.....
۲۵۹	۲- احترام از بیگانه های ژنتیکی.....
۲۵۹	۳- دسترسی به پیوندهای اعتراض ناپذیر.....
۲۶۱	۴- همانند سازی فرزند در حال مرگ یا یکی از والدین.....
۲۶۱	۵- بازآفرینی افراد خاص.....
۲۶۲	بند دوم: شبیه سازی انسان از سر.....
۲۶۳	الف) استدلال های اخلاقی.....
۲۶۳	۱- مشکلات مربوط به سلامتی.....
۲۶۳	۱-۱- خطرات مربوط به کودک.....
۲۶۴	۱-۲- خطرات مربوط به تخمک اهدایی و مادر ناپدید.....
۲۶۵	۱-۳- ماندگاری نگرانی روانی.....
۲۶۶	۲- مشکل مربوط به رضایت.....
۲۶۷	۳- بهره گیری از زنان و مشکلات آن.....
۲۶۸	ب) استدلال های اجتماعی.....
۲۶۹	۱- مشکلات مربوط به هویت و فردیت.....
۲۷۰	۲- نگرانی های مربوط به تولید انسان به عنوان کالا.....
۲۷۲	۳- تصور بهسازی نژادی نوین.....
۲۷۳	۴- اختلال در روابط خانوادگی.....
۲۷۵	۵- اثرات بر جامعه.....
۲۷۶	گفتار چهارم: پیشینه تقنینی در گستره بین المللی و ملی.....
۲۷۶	بند نخست: در گستره بین المللی؛ گام به سوی جرم انگاری.....

- بند دوم: در گستره ملی: تنوع دیدگاه‌ها. ۲۷۹
- الف) ایالات متحد آمریکا. ۲۸۱
- ب) استرالیا. ۲۸۲
- پ) انگلستان. ۲۸۶
- ت) ژاپن. ۲۸۷
- ث) اسپانیا. ۲۸۸
- ج) ایران. ۲۸۹
- گفتار پنجم: نقد و ارزیابی. ۲۸۹
- مبحث دوم: خرید و فروش اعضای انسانی. ۲۹۲
- گفتار نخست: پوشش مفهومی خرید و فروش اعضای انسانی و حوزه‌های مرتبط. ۲۹۳
- دخست: مفهوم شناسی و ماهیت خرید و فروش اعضای انسانی. ۲۹۴
- الف) مفهوم شناسی. ۲۹۴
- ب) ماهیت خرید و فروش اعضای انسانی. ۲۹۴
- بند دوم: حوزه‌های مرتبط. ۲۹۵
- الف) رابطه خرید و فروش اعضا و پیوند اعضا. ۲۹۵
- ب) رابطه خرید و فروش اعضای انسانی و قاچاق اعضا. ۲۹۷
- پ) رابطه خرید و فروش اعضای انسانی و انتقال اعضای انسانی. ۲۹۹
- گفتار دوم: پیشینه خرید و فروش اعضا انسانی. ۳۰۱
- گفتار سوم: رویکردهای موافق و مخالف جرم‌نگاری. ۳۰۱
- بند نخست: رویکردها و دلایل موافق با خرید و فروش اعضا. ۳۰۲
- الف) رویکردهای موافق با خرید و فروش اعضا. ۳۰۲
- ۱- رویکرد محدود یا مشروط خرید و فروش. ۳۰۲
- ۲- رویکرد فراگیر خرید و فروش اعضای انسانی. ۳۰۴
- ب) دلایل موافق خرید و فروش اعضای انسانی. ۳۰۶
- ۱- کمک به حفظ حیات. ۳۰۶
- ۲- حق تصمیم‌گیری دهندگان عضو بر پایه نفع‌شناسی خود. ۳۰۷
- ۳- نیاز به عرضه بیشتر اعضای انسانی. ۳۰۷
- بند دوم: دلایل مخالفت با خرید و فروش اعضای انسانی. ۳۰۸
- الف) ایجاد آسیب. ۳۰۸
- ب) کاهش نگرش نوع دوستی. ۳۰۹
- پ) کاهش همبستگی اجتماعی. ۳۱۱
- ت) عدم اعتبار رضایت. ۳۱۱
- ث) اجبار دهنده عضو. ۳۱۲
- ج) استثمار دهنده عضو. ۳۱۲

۳۱۴.....	چ) کالانگری به بشر.....
۳۱۷.....	ح) سوء استفاده سیاسی حکومت‌ها.....
۳۱۸.....	گفتار چهارم: پیشینه‌های تقنینی در گستره بین‌المللی و ملی.....
۳۱۸.....	بند نخست: گستره بین‌المللی.....
۳۲۱.....	بند دوم: گستره ملی.....
۳۲۲.....	الف) ایالات متحد آمریکا.....
۳۲۵.....	ب) انگلستان.....
۳۲۶.....	پ) هندوستان.....
۳۲۸.....	ت) آلمان.....
۳۲۹.....	ث) ایران.....
۳۳۱.....	ج) کار پنجم: نقد و ارزیابی.....
۳۳۵.....	جمع‌بندی.....
۳۳۹.....	نتیجه‌گیری و پیشنهادات.....
۳۵۵.....	منابع.....
۳۷۹.....	واژه‌نامه.....

مقدمه

بشر، برای خویشتن نیز معماست، چه بسا، «ترکیبی است از آنچه هست و آنچه ندارد»^۱ چه هدف اندیشیدن بشر و تلاش فکری اش، رازگشایی از سرشت و فلسفه وجودی خویشتن بوده یا به نگاه لوی اشتراوس^۲، استحاله اش، حیات بر این کیهان ناشناخته، وی را ناگزیر از شناخت خویش و پیرامون اش کرده و این تلاش به قدری موثر افتاده که هایدگر^۳ را به چنین استنباطی استنباطی سوق می‌دهد که انسان «در هیچ عصری این همه ناچیز در مورد انسان نمی‌دانسته است»^۴. ادگار مورن^۵ فرانسوی این ناشناختگی بشر را ناشی از دانش نادرست وی می‌داند و می‌گوید: «اگر روزی بیش از آنکه به سبب نادانی باشد، به علت دانش نادرست است که انسان موجود شناخته باقی مانده است. این پارادکس نیز بر همین مبناست: هرچه بیشتر می‌شناسیم، این موجود انسانی را کمتر درک می‌کنیم»^۶. پس، انسان برای درک حقیقت خویش، متوسل به گرد خویش می‌شود تا در پیچ و خم واقعیت‌های خویش دریابد از کجا آمده و آمدنش بهر چه بوده است تا دریابد که حقیقت موعودش چه بوده و واقعیت موجوداش چه قابلیت در اختیارش می‌گذارد تا به سر منزل مقصود و موعود خویش دست یازد. از این جهت است که می‌اندیشد، حرکت می‌کند و در خرد و پیرامون خود غور می‌کند و هیچ گاه از حرکت و جنبش فکری باز نمی‌ایستد. تولد حوزه‌های فکری- علمی در حیات بشری در گذشته و امروز، از جمله فناوری‌های زیستی و ژنتیکی و به ویژه اخلاق زیستی در عصر امروزی، برآیند این حرکت و جنبش است.

این همه تلاش و جنب و جوش فکری و جسمی انسان، با این بنیاد اندیشه‌ای اوست که دارای «آزادی» است و باید برای رسیدن به حقیقت خویش، پای ننشیند و زود هنگام به آن دست یابد. از این بهر است که در نشیب و فراز این تلاش‌ها، به دنبال «خویشتن خویش» می‌گردد و بعضاً از مسیر منحرف می‌شود و به ناگاه رو به تاری می‌گذارد که «انسانیت انسانی» اش را نیز ناخواسته، در پستوی تاریخ به خاک سپارد. در این رو، بر خود لازم می‌داند که برای پیشگیری از خطاهای احتمالی خویش، به صورت نظام مند و قاعده مند به پیش رود و تلاش خود را در چارچوبی منظم جای دهد. بدین سان «دولت» خلق می‌کند و

۱- مورن، ادگار، *انسانیت انسان؛ هویت انسانی*، برگردان امیر نیک پی و فائزه محمدی، انتشارات قصیده سرا، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۱۶.

2- Levi Straus

3- Heidegger

۴- همان.

5- Edgar Morin

۶- همان.

بخشی از اراده اش را بدان واگذار می‌کند و از این رهگذر خود را برای تضمین حیات خود محدود. از نظرگاهی عقلایی، بشر در چارچوب جامعه برای انتظام امور و ساماندهی نیاز به مرجعی فراتر از افراد و گروه‌های جامعه سوای کیستی و جیستی آن دارد.

بنابراین، بشر آزاد بوده و آزاد زاده شده است اما ماندگاری حیات و منزلت خود را به تنهایی نمی‌تواند تضمین کند. زیرا برای اینکه حیات و منزلت خویش را به نوعی تضمین کند و از آزادی عمل خویش نیز برای تحقق حقیقت موعوداش بهره گیرد، نیازمند موجودی دیگر است که در این راستا یاری گر او باشد. لذا، به دولت متوسل می‌شود. بشر با تولد دولت برای اداره زندگی اش، ضمن حفظ بیشترین دامنه آزادی خود، گستره‌ای حداقلی از آن را به نفع ماندگاری و تضمین حیات و آینده خود به دولت واگذار می‌کند. از این رو، دولت مزبور از حداقل میزان اختیار برای مداخله برخوردار بوده و به تعبیری دیگر، دامنه آزادی تفویضی بشر به دولت در حداقل میزان آن است و پس، بدین ترتیب بشر در اقدام‌ها و تلاش‌های خود برای ارتقای خویش نمی‌تواند هیچ‌گونه بار گردونه عمل شود و در این زمینه باید تدابیر اتخاذی دولت را آویزه گوش خود و نه مل خویش سازد تا ضمن حرکت به پیش، حیات و منزلت خود را تضمین کند. بدین سان، ر عده اخلاق زیستی به منزله یکی از حوزه‌های فکری ناشی از تلاش‌های بشری، بشر باید در پرتو راست اوازم مطلوب نظر دولت به پیش گام بگذارد تا هم در مسیر راستین حقیقت یابی قرار گیرد و هم موجودات خویش را نیز تضمین کند. زیرا، تلاشی که سرانجام، فنای بشر بر این دیر راه به همراه آورد، نه تنها تلاشی در مسیر حقیقت طلبی بشری نیست که موجودیت اش را به فراموشی می‌پارد.

با این همه، باید میان این دو موجود، یعنی انسان و دولت یا قدرت سیاسی از نظر آزادی عمل، موازنه‌ای برقرار باشد که سرانجام، تحقق غایت بشری از رهگذر این تعادل امکان پذیر گردد. در واقع، انسان به عنوان موجودی که نه گریزی از زندگی اجته عام دارد و نه حیات او بدون این قدرت سیاسی، امکان پذیر می‌باشد، نیازمند مرزی میان آزادی‌های خود از یک سو و آزادی‌های قدرت سیاسی است تا هر یک در کنار هم بتوانند به نحو مسامت آمین به حیات خویش ادامه دهند.^۱ در این نظرگاه، با توجه به تفکیک میان حقوق و تکلیف شهروندان و قدرت سیاسی، گستره آزادی عمل هر یک از این دو موجود در دو «حوزه عمومی» و «حوزه خصوصی» هویدا می‌گردد. در این میان در ارتباط با نقش آفرینان سیاسی و اجتماعی، قدرت سیاسی مکلف به شناسایی، تنظیم و تضمین حقوق انسانی است که حقوق طبیعی، یا فطری یا

۱- مرکز مالمری، احمد، *تحلیلی از آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو مفاهیم آزادی مثبت و آزادی منفی*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۸۰، ص ۲۰

بنیادین از آن‌ها تعبیر می‌شود. حوزه خصوصی، قلمرویی است که هر شخص به مثابه عامل یا سوژه‌ای مختار و با اراده از آن برخوردار بوده و می‌تواند در این محدوده که به منزله حاشیه‌ای امن برای وی تلقی می‌گردد به رشد و شکوفایی توانایی‌های خویش - تا زمانی که وارد محدود سایرین نشود- بپردازد. در نتیجه، آزادی و حوزه خصوصی به مثابه دو مونس و همراه جلوه گر می‌شوند که برای تحقق انسانیت انسان در جامعه‌ای آزاد همراه هم به پیش گام برمی‌دارند. بر این اساس است که دولت یا قدرت سیاسی، نباید بیش از این وارد گردونه اجتماعی شود و مداخله آن به شکل حداقلی و در حد تنظیم و تضمین حقوق بنیادین بشری نمودار می‌گردد. در نتیجه، بشر و به واقع شهروندان یک قدرت سیاسی، در وادی حوزه خصوصی خویش از حاکمیت خریشتن برخوردارند و آزادی عمل فردی را می‌توانند به نحو بارزی نمایان سازند، منوط به اینکه این آزادی عمل، ناقض آزادی عمل دیگری نگردد و از این رهگذر، هیچ گونه آسیبی، اعم از جانی، مالی، حیثیتی و از این قبیل، بر وی وارد نسازد. در نتیجه، پژوهش حاضر، موضوع پژوهش در حکمی لیبرالی یا دولت جامعه لیبرال مورد بررسی قرار می‌گیرد که از نوع حداقلی آن بوده و به سوره محدود آزادی‌های فردی را قید می‌زند.

اخلاق زیستی، قلمروی نوین در سرنوشت دانش‌های بین رشته‌ای در گیتی انسانی است که از رهگذر دغدغه بشر در ارتباط با بارزانی از ارزش‌ها و هنجارهای «در معرض خطر» و بعضاً «مساله دار» خویش با به جهان اندیشه فلسفه انسانی نهاده است تا بتواند با بهره‌گیری از پاره‌ای اصول و در پرتو آرمان‌های غایی بشری، از موجودیت حیات و منزلت بشری حمایت کرده و ماندگاری و دوام آن را تضمین کند. اخلاق زیستی به یک روی به منزله جنبش مدنی برای احقاق حقوق بیماران، زنان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی نمودار گردید و به دیگر روی به منزله موضوع‌های اخلاقی ناشی از فن‌آوری‌های پیشرفته پزشکی و حتی زیست محیطی واجد اهمیت فراوان است. این اهمیت تا بدانجاست که باید از رهگذر اهرم‌های وزین قدرت سیاسی مورد حمایت قرار گیرد. به این سبب که حمایت و تضمین هستی این قلمرو، ماندگاری و تداوم حیات انسانی را به همراه می‌آورد، حیاتی که شرط لازم و مقدمه آغازین شروع فرایند تحقق حقیقت بشری است. ارزش اخلاق زیستی در این است که می‌تواند چارچوبی عملی برای تصمیم‌گیری اخلاقی از رهگذر بررسی مشکلات علمی و پزشکی موجود در زمینه شمار متنوعی از منابع که شامل فلسفه، دین، تاریخ و حقوق می‌شود، فراهم سازد. ورود در گستره‌های مرتبط با اخلاق زیستی، به ویژه فناوری‌های زیستی و پزشکی و ژنتیکی که به شکل مستقیمی با حیات بشری درگیراند و دغدغه آن‌ها در نهایت، ارتقای وضعیت موجود بشری برای دستیابی به حقیقت موعود اوست، بعضاً مسائل و مشکلاتی را از باب ارزش‌های

بنیادین اخلاق زیستی مطرح می‌سازد. پاره‌ای از این مسائل و مشکلات به شدت مغایر ارزش‌های بنیادین اخلاق زیستی بوده و در نتیجه، در پاره‌ای از موارد، بنیان‌های اخلاق زیستی را به سمت و سوی نیستی بدرقه می‌کند. از این روی، دولت از رهگذر گستره حقوق ناچار است وارد عمل شده و در این راستا تدابیر مقتضی بیندیشد. برخی از ارزش‌های بنیادین اخلاق زیستی، نظیر اصل احترام به اشخاص انسانی که می‌توان از استقلال عمل فردی، حیات و منزلت انسانی به منزله لوازم آن یاد نمود، عدالت، عدم زیان باری و مواردی از این دست، از چنان اهمیتی راسخ برخوردارند که حقوق در تدبیراندیشی خویش، به گستره جزایی متوسل می‌گردد و با جرم انگاری هرگونه نقض این ارزشها در چارچوب مصادیق عملی آن، گام‌های حمایتی از این ارزشها برمی‌دارد.

از این روی حقوق کیفری نماینده وزین حکومت است که در چارچوب آزادی تفویضی بدان وارد گردونه اخلاق زیستی می‌شود و با تاکید بر اصول اخلاق زیستی که رابطه مستقیم با حیات انسانی از یک سو، اهداف عینی و ذهنی این حکومت که سرانجام ماندگاری حیات بشری را درنظر دارد از سوی دیگر، بر حسب وصف جرم به برخی از کنش‌های انسانی در این گستره اهتمام می‌ورزد. اخلاق زیستی در وادی حقوق کیفری، به منزله حوزه‌ای نوین به شمار می‌آید که ضرورت دارد از رهگذر مداخله جزایی از آن حمایت به عمل آورد. به دیگر کلام، جرم اخلاق زیستی و در نگاهی کلان «حقوق کیفری» عبارت از اخلاق زیستی» به مثابه دامنه و حوزه‌ای بدیع در وادی حقوق کیفری خاص، روزه‌ای نوین در تئوری علوم جنایی تلقی می‌گردد که به واسطه نو بودن آن دارای زوایای ناپیدای وافر است، و تلاش در عصر درصدد کاهش این زوایای ناپیدا و افزایش روشنی زوایای پیدای آن خواهد بود. با چنین هدفی، حقوق کیفری اخلاق زیستی چون برخاسته از حکومت حداقلی است، واجد وصف حداقل مداخله است. چراکه در غیراین صورت، بر بنیاد اندیشه لیبرالی، مشروعیت خویش را از دست داده و حمایت مردمی اش آرام آرام رنگ نبود به خود خواهد گرفت.

حقوق کیفری اخلاق زیستی دارای دو جلوه جانوری و محیطی است که حوزه جانوری یا حیوانی آن شامل حیوان ناطق، انسان و حیوان غیرناطق می‌گردد. موضوع رساله حاضر بر محور اخلاق زیستی انسانی استوار شده و نگارنده تنها بر مباحث اخلاق زیستی در ارتباط مستقیم با روح و روان و جان و جسم و فیزیک و کالبد بشر سخن می‌راند و تدقیق در حوزه‌های زیست محیطی و حیوانی در معنای مصطلح آن را به پژوهش‌های دیگری وامی‌گذارد تا با بررسی دقیق و موشکافانه‌ای در هر یک از این حوزه‌ها بتوان به یافته‌های کاربردی و موثری دست یافت.

حقوق کیفری اخلاق زیستی موصوف در این پژوهش، همانگونه که بشر محور است، مبتنی بر رویکردهای حق‌های بشری نیز هست. به عبارتی، حقوق کیفری اخلاق زیستی، حقوق بشری نیز بوده و در نظر نگارنده از شالوده‌های حق‌های بشری به مثابه پایه‌های فکری آن بهره می‌گیرد. حق‌های بشری در تعریفی حداقلی همان حق‌های جهان شمول، ذاتی و سلب ناپذیراند که انسان بما هو انسان از آن‌ها برخوردارند.^۱ از این رو، به دید نگارنده، بدان سان که حق‌های بشری، نقشی همسان فلسفه در علوم انسانی را برای تمام شاخه‌های حقوقی بازی می‌کند، در بطن و متن اندیشه حاکم بر پژوهش حاضر وجود داشته و تنها در مواردی که ضرورت باید به نحو صریح و روشن بدان پرداخته می‌شود. از آنجا که حکومت حداقلی، لیبرال، از دامن و شبکه محدودی در وادی حقوق کیفری اخلاق زیستی برخوردار است و از اندیشه قراردادمحوری سود می‌برد، رویکرد حق‌های بشری اتخاذی نیز در همین راستا مبتنی بر ایده قراردادمحوری بوده بر بنیاد استقلال عمل و حق تعیین سرنوشت فردی استوار است. افزون بر این، حقوق بشری از ادبی زیستی انسانی مزبور که از شالوده‌های حق‌های بشری نیز تغذیه می‌گردد، صرف‌نظر از آنکه مبتنی بر ایده حکومت حداقلی و در واقع لیبرالی است، از قاعده «نسبیت» و «نسبی گرایی» نیز بی‌رومی نماید و از این روی، در هیچ حالت بر پایه اندیشه‌ای مطلق انگار سخن رانده نمی‌شود.

با این اوصاف، مداخله حقوق کیفری در قلمرو اخلاق زیستی از رهگذر ابزار حمایتی جرم انگاری پرسش‌هایی را به همراه می‌آورد که عاقل نخستین گزینش این موضوع از سوی نگارنده بوده است: حقوق کیفری با دامنه مداخله محققان از چه معیاری برای ورود در گستره اخلاق زیستی پیروی می‌کند؟ چه اهدافی از این مداخله دارد و در مقابل این اهداف، چه مسئولیت یا کارویژه‌هایی بر عهده دارد؟ بر اساس هدف‌های مربوط از یک سوی و مسئولیت‌های آن از سوی دیگر، آیا جلوه‌های جرم انگاری شده مناسب با اهداف و مسئولیت‌های راسخ و راستین آن بوده است؟ بر بنیاد اصول بنیادین اخلاق زیستی، آیا جایز است جرم انگاری شده با اصول مزبور سازگاری داشته و آیا تضمین کننده ارزش‌ها و هنجارهای مورد حمایتی حقوق کیفری هستند؟ آیا جلوه‌های جنایی موجود در نظام‌های حقوق کیفری اخلاق زیستی نیازمند حمایت مضاعف یا جرم زدایی اند؟ آیا در کنار جلوه‌های مزبور، جرم انگاری در پاره‌ای از موارد

۱- سیدفاطمی، سید محمد قاری، مبانی توجیهی اخلاقی حقوق بشر معاصر، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶-۳۵، ۱۳۸۱، ص ۱۱۸

نوبین ضرورت دارد یا خیر؟ و پرسش‌هایی از این دست که فراخور پژوهش بدان‌ها پرداخته شده و سعی می‌گردد پاسخی حداقلی برای آن‌ها بیابیم.

دانش بشری با هر روز گذشت عمر بشر و فزونی تجربه‌اش، به وی آموخته‌هایی می‌آموزد و حوادثی را پیش‌خرد او ظاهر می‌سازد که هر آن ذهن جستجوگر بشری را به دنبال یافتن چستی‌ها و چرایی‌ها می‌کشند. بشر، بدان‌سان که خردورز است، پاسخی خردمندانه از چستی‌ها و چرایی‌ها می‌طلبد و همین مقوله است که حیات وی را هر روزه با پیچیدگی همراه می‌سازد و این مساله همچنان در چرخه حیاتی‌اش بیش از همه جلوه نظری می‌کند. ورود به وادی‌های نوین و گستره‌های نوپا، محصول این ذهن کنجکاو و خلاق اوست که هر روز با تلنگری ذهن در خرد اش، هنگامه‌ای علمی می‌آفریند و بر آفرینش‌های فکری خویش می‌افزاید. اخلاق زیستی گرچه، گستره‌ای نوین اندیشه‌ای نیست اما در چارچوب دانشی نوین و رشته‌ای علمی و تخصصی، چند صباحی نیست که در اندیشه بشر رخ نموده و شمه‌ای از گستره بی‌پایان ذهن بشری را با خود معطوف نموده است.

اخلاق زیستی با تکامل ارزش‌های اخلاقی، معضلات اخلاقی فراوری تحقیقات و پیشرفت‌های زیستی و پزشکی و تحلیل اخلاقی این تحول‌ها، مباحثی را در عمل در حوزه‌های دیگر از جمله حقوق کیفری نشو و نشور را ناگزیر به تدبیر اندیشی در این زمینه نموده است. مساله ورود به قلمروهایی که رواجی، اخلاق زیستی را نقض نموده و ارزش‌های اخلاقی مطلوب آن را به باد فراموشی سپرد، قدرت تدبیر اندیشی قدرت سیاسی را برای تحلیل این وضعیت و اتخاذ واکنش مناسب در قبال آن تشویش می‌کند. دست‌یازی به تحقیقات پزشکی با مداخله دادن انسان به عنوان سوژه‌های آزمایشی، بکارگیری آن‌ها در این آزمایش‌ها به منزله ابزار؛ دستکاری ژنتیکی در سوژه‌های انسانی و خلق موجودات، همسان و شبیه دهنده ژن جنسی؛ دستکاری ژنتیکی به منظور بهبود نژادی نوع بشر؛ اپای انسان‌های بی‌گناه و بی‌پناه و کشتن آن‌ها با انگیزه‌های واقعی مالی و به هدف بهره‌گیری از اعضا آن‌ها برای پیوند به انسان‌های دیگر و در واقع، به بهانه نجات عده‌ای دیگر؛ در زمره گزاره‌هایی است که در اثر پیشرفت‌های علوم زیستی و پزشکی در جامعه بشری مطرح شده و اخلاق زیستی به مثابه دانشی مدافع ماندگاری حیات انسانی و تداوم آن در جامعه‌ای آکنده از امنیت و ایمنی جانی و روانی بشر، ضمن تقبیح ابزارپنداری اعضای جامعه بشری، بر ضرورت رعایت ارزش‌ها و هنجارهایی صحه گذاشته و تاکید می‌کند که از چشمه اخلاق سیراب می‌گردد. بدان‌سان که اخلاق، فاقد ضمانت اجراست و قدرت سیاسی به منزله مدیر اجتماعی وظیفه دارد تا حیات شهروندان خود و ماندگاری حیات آن‌ها را تضمین و حقوق آن‌ها را در جامعه تامین نماید، از همان رهگذری که ملزم می‌گردد، مستحق هم می‌گردد تا در راستای تحقق این هدف خود،

بهترین ابزار و کارآمدترین روش را بکارگیرد و در این میان، حقوق کیفری به منزله بازوی وزین حکومت، وارد میدان عملی می‌شود و این مهم را به سرانجام مقصود می‌رساند.

با این حال، بررسی معیار مداخله حکومت و حقوق کیفری مزبور در این عرصه، میزان و دامنه مداخله آن از یک سوی و اهداف مورد نظر آن و در نتیجه، مسئولیت هایش از سوی دیگر، در زمره مقوله‌هایی بوده که باید مورد مطالعه قرار گرفته و تبیین و تنویر گردد. تبیین و تنویر این مقولات در گستره حقوق کیفری اخلاق زیستی، در نظرنگارنده، ضرورتی انگاشته شده که وی را به انجام پژوهش حاضر واشته است، ضرورتی که از رهگذر اعمال آن، می‌توان از معیار مداخله حقوق کیفری اخلاق زیستی در بطن اجتماع انسانی و درصد مداخله اش به دقت سخن راند و به تشریح اهداف راستین و نخستین حقوق کیفری مزبور، کارویژه‌های آن را شناسایی کرد و از این راه، معاد مداخله عملی امروزی آن را در بوته نقد و تحلیل داد و در فرجام آن، پیشنهاد ارائه کرد.

نگارنده با گزینش این موضوع، تحقیقی دو بخشی، با تفکیک موضوع پژوهش به دو عنوان کلی، مبنای مداخله حقوق کیفری در «حلال زیستی و جلوه‌های مداخله حقوق کیفری در گستره اخلاق زیستی، هر یک از این دو را در پارچوب دو فصل به انجام رسانیده می‌رساند.

در بخش نخست، چهار مقول «معیار» و «دامنه» مداخله حقوق کیفری اخلاق زیستی به دنبال نگاهی مختصر به مفهوم شناسی زیستی، پویی اخلاق زیستی جهت تبیین تنویر تمرکز موضوعی پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، فصل نخست) و اهداف حقوق کیفری از ورود به وادی اخلاق زیستی و اتخاذ رویکرد حمایتی از آن، همچنین، کارویژه و مسئولیت‌هایی که حقوق کیفری در این راستا بر عهده دارد، در بوته توجه و تحلیل قرار می‌گیرد.

بخش دوم تمرکز بر جلوه‌های جرم انگاری با تاکید بر «ذرع خلاق» زیستی دارد. در واقع، در این بخش با تفکیک موضوعی جرایم اخلاق زیستی به دو گروه «جرایم حیات مدار» و «جرایم منزلت مدار» به مصادیق هر یک از این دو دسته در دو فصل مجزا پرداخته شده و سعی می‌دارد با عنایت به معیار و میزان مداخله حقوق کیفری در وادی اخلاق زیستی، هر یک از این جلوه‌های جنایی مورد مذاقه قرار داده و ضمن رویکردی توصیفی به وضعیت آن‌ها در عرصه ملی و بین‌المللی، به تداوم جرم انگاری آن‌ها یا جرم زدایی نسبی آن‌ها تاکید می‌کند.